



سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه

* مصلح کهنه پوشی

** آرام فردوسی

چکیده

در مقاله حاضر مفهوم سرمایه اجتماعی^۱ و نقش آن در توسعه^۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله ابتدا تعاریف، شاخص‌ها و پیامدهای سرمایه اجتماعی از نظر صاحب‌نظرانی مانند: کلمن، بوردیو، فوکویاما و... بررسی می‌گردد و سپس با ارائه تعریف از توسعه به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه می‌پردازیم. روش تحقیق مورد استفاده کتابخانه‌ای می‌باشد. از نتایج این مقاله می‌توان به اثر و رابطه سرمایه اجتماعی در ایجاد و تقویت بنیان‌های توسعه و همچنین برتری توسعه از پایین، درون‌زا و موزون بر الگوهای دیگر توسعه اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه، توسعه انسانی، توسعه پایدار و...

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

* کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی

** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

1 - Social Capital

2 - Development

مقدمه

مفهوم "سرمایه اجتماعی" یکی از مفاهیم جدیدی است که در حوزه علوم اجتماعی با سرعت چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای گسترش یافته است. رد پای این مفهوم را می‌توان در آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل: اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی مشاهده کرد؛ اما سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های "هانیفان"^۱ سرپرست وقت مدارس "ویرجینای غربی" در آمریکا به کار رفت. وی در اشاره به سرمایه اجتماعی معتقد است که این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم از قبیل: کسب و کار، معاشرت، همفکری و همدردی، داد و ستد اجتماعی و... را در برمی‌گیرد. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای می‌داند که به بهبود شرایط زندگی اجتماعی منجر می‌شود. سپس محققان و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعات و نظریه‌های خود را در این خصوص ارائه داده‌اند. افرادی چون: "جین جاکوب"^۲ استاد مسائل شهری، "گلن لوری"^۳ اقتصاددان، "رابرت پوتنام"^۴ دانشمند علوم سیاسی و جامعه‌شناسانی چون: "ایوان لایت"^۵، "فوکویاما"^۶، "کلمن"^۷ و "پیر بوردیو"^۸ در این زمینه تحقیقات قابل توجهی انجام داده‌اند. اما از میان آن‌ها "جیمز کلمن" اولین کسی بود که به صورت منسجم و قوی به بحث سرمایه اجتماعی پرداخت. او با ارائه مقاله "سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی" در این حوزه فصل جدیدی را بر روی اندیشمندان دیگر گشود. سپس "رابرت پوتنام" نیز در سال ۱۹۹۳ با چاپ کتاب "بنای دموکراسی کارآمد؛ سنت‌های مدنی" و همچنین مقاله‌ای "تحت عنوان" یک نفره، کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا"^۹ در سال ۱۹۹۵، موجبات توجه بیشتری را به ایده سرمایه اجتماعی و چگونگی افزایش و بازسازی آن در آمریکا فراهم نمود.

1 - Hanifan

2 - Jine Jakoob

3 - Gallen Lurry

4 - Robert Putnam

5 - Ivan Light

6 - Fukuyama

7 - Coleman

8 - Pierre Bourdieu

9 - Bowling Alone; America's Declining Social Capital

سرمایه اجتماعی

اصولاً سرمایه اجتماعی شامل نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر رفتار و تعاملات بین افراد حاکم است (گروتیر و فُن بسترلر به نقل از زاهدی مازندرانی: ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط اجتماعی و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند (وولکاک و نارایان، به نقل از جوادی مازندرانی: ۲۰۰۰). سرمایه اجتماعی در معنای وسیع، "ثروت اجتماعی" ^۱ و "درآمد اجتماعی" ^۲ و در معنای محدود، منابع و تجهیزات غیر فردی و غیر خصوصی را شامل می‌شود؛ نظیر راه‌های ارتباطی، تجهیزات، انتقال پیام و... که مورد استفاده همگان قرار می‌گیرد (ساروخانی: ۱۳۷۰).

انواع سرمایه

به طور کلی سرمایه را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

سرمایه فیزیکی ناظر بر پدیده‌هایی همچون منابع طبیعی، ثروت، درآمد، ماشین‌آلات و نظایر آن می‌باشد.

سرمایه انسانی شامل میزان تحصیلات، سطح دانش عمومی، آموزش‌ها و مهارت‌های کاری و... می‌شود.

سرمایه فرهنگی بر پرورش فرهنگی افراد دلالت دارد که شامل آینده‌نگری، نظم شخصی، پُرکاری، اهمیت قائل شدن برای تحصیلات، برنامه‌ریزی و ارج نهادن به کسب دستاوردهای اقتصادی می‌شود.

برخلاف سرمایه انسانی که ماهیتی فردی و اکتسابی دارد و محصول تلاشی خودآگاهانه است، سرمایه فرهنگی ماهیتی جمعی دارد و به صورت غیر مستقیم و ناخودآگاه، از طریق محیط خانوادگی و اجتماعی در شخصیت افراد رسوخ می‌کند. نکته‌ی قابل اهمیت در این راستا این است که هر دوی آنها قابلیت تبدیل به سرمایه فیزیکی را دارند.

سرمایه اجتماعی نوع چهارم سرمایه، اشاره به منابعی دارد که افراد به واسطه حضور یا تعلق

1 - Social wealth
2 - Social income

به یک گروه اجتماعی به آنها دسترسی می‌یابند. این گروه می‌تواند به بزرگی ملت و یا به کوچکی خانواده باشد. منابع نیز می‌تواند پدیده‌های ملموس همچون پول، مسکن، شغل، حمایت اجتماعی و یا امکانات غیر ملموس همچون اطلاعات مفید، مشاوره فکری و آرامش روحی باشد. در زمینه سرمایه اجتماعی و مسائل مربوط به آن نقطه نظرات مختلفی از اندیشمندان وجود دارد که هر کدام از حوزه‌ی خاص و رویکرد متفاوتی ارائه شده است. در اینجا به طور اختصار به نظرات چند جامعه‌شناس اشاره می‌شود.

بورديو و سرمایه اجتماعی

"پیربورديو" (۱۹۸۵) جامعه‌شناس فرانسوی نظریه بسط یافته‌ای از سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند. از نظر "بورديو" سرمایه همزمان هم مربوط به علم اقتصاد است و هم مجموعه‌ای از روابط مبتنی بر قدرت که قلمروها و تعاملات اجتماعی مختلفی را به وجود می‌آورد و معمولاً نامرتب با علم اقتصاد تصور می‌شود. سرمایه فرایندی است که ذاتاً با قدرت پیوند دارد. در واقع استنباط "بورديو" از سرمایه به گونه‌ای است که او تقریباً سرمایه و قدرت را مترادف هم می‌داند. وی میان شبکه‌های اجتماعی که موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌شود و روابط اجتماعی و پیامدهای آن، تفاوت قائل می‌شود. یعنی شبکه‌های اجتماعی را نباید صرفاً با تولیدات روابط اجتماعی برابر دانست؛ زیرا چنین کاری شبکه‌های اجتماعی را نامرئی می‌سازد. شبکه‌هایی که می‌تواند بسیار متراکم باشد ولی در عین حال به دلیل عدم دسترسی به آنها نمی‌توان منابعی را تولید کرد (فیلیپس: ۱۳۸۵).

به نظر "بورديو" سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر گذارد و به فرد امکان دهد که سود ویژه‌ای را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد. سرمایه از نظر "بورديو" چهار شکل دارد: ۱) سرمایه‌ی اقتصادی، یا دارایی مولد (پول و اشیاء مادی که بتوان آنها را در تولید کالا و خدمات به کار برد). ۲) سرمایه‌ی فرهنگی، یا مهارت‌های میان فردی غیر رسمی، عادات، شیوه‌ها، سبک‌های زندگی، مدارک تحصیلی، ذائقه‌ها و شیوه‌های زبانی؛ ۳) سرمایه‌ی نمادین، یا به کاربردن نمادها برای مشروعیت بخشیدن به تملک سطوح و چیدمان‌های متغیر از سرمایه‌ی دیگر؛ ۴) سرمایه‌ی اجتماعی به موقعیت‌ها و روابط در دسته‌بندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی

اطلاق می‌شود (ترنر: ۱۹۹۹، ۵۱۷ - ۵۰۹). سرمایه اجتماعی که از تعهدات اجتماعی ساخته شده است و تحت برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی می‌باشد و یا ممکن است در شکل یک عنوان اشرافی نهادینه شود (اکبری: ۱۳۸۳، ۲۳).

بنابراین "پیر بوردیو" بر تبدیل‌پذیری اشکال مختلف سرمایه به نوع اقتصادی آن تأکید دارد. وی سرمایه اقتصادی را به عنوان کار انسانی انباشته شده تعریف می‌کند. پس کنش‌گران از طریق سرمایه اجتماعی می‌توانند دسترسی مستقیمی به منابع اقتصادی (وام‌های یارانه‌ایی، راهنمای سرمایه‌گذاری و...) داشته باشند. آنها می‌توانند سرمایه فرهنگی خود را از طریق تماس با کارشناسان یا افراد معتبر افزایش دهند و می‌توانند با مؤسسه‌ای که اعتبارات با ارزشی عرضه می‌دارند مرتبط شوند (فیروزآبادی: ۱۳۸۴، ۱۱۷).

کارکردهای سرمایه اجتماعی از نظر کلمن

"جیمز کلمن" مانند "بوردیو" مفهوم سرمایه اجتماعی را از اقتصاد به جامعه‌شناسی آورد. "کلمن" سرمایه اجتماعی را برحسب کارکردی که دارد تعریف می‌کند. به عقیده او این مفهوم نه یک موجود منفرد، بلکه در برگیرنده موجودیت‌های مختلفی است که تمامی آنها در دو عنصر مشترک هستند، یعنی همه آنها جنبه‌ایی از ساخت اجتماعی را در خود دارند و واکنش معینی از کنش‌گران را در درون این ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی همانند دیگر اشکال سرمایه مولد است و رسیدن به اهدافی را امکان‌پذیر می‌سازد که در نبود آن، دسترسی به آن اهداف ناممکن خواهد بود. سرمایه اجتماعی همانند سرمایه مادی و سرمایه انسانی، کاملاً قابل مبادله نیست، اما می‌تواند مختص به فعالیت‌های مشخصی باشد. شکل مشخصی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل بعضی از کنش‌ها ارزشمند است، می‌تواند برای کنش‌های دیگر بی‌فایده و یا حتی مضر باشد. سرمایه اجتماعی بر خلاف اشکال دیگر سرمایه در ذات ساختار روابط میان کنش‌گران وجود دارد.

کلمن پس از این تعریف از سرمایه اجتماعی، مجموعه‌های مختلفی از کنش‌ها، پیامدها و روابط را سرمایه اجتماعی می‌نامد. از نظر او سرمایه اجتماعی ذاتاً قادر به کار است و سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که به مردم و نهادها امکان عمل می‌دهد. بنابراین، سرمایه اجتماعی

یک مکانیزم، یک شیء و یا یک پیامد نیست، بلکه به طور همزمان هر یک یا تمامی آنها است. سرانجام اینکه سرمایه اجتماعی از نظر کلمن به لحاظ هنجاری و اخلاقی خنثی است. یعنی نه مطلوب است و نه نامطلوب و صرفاً با فراهم کردن منابع لازم وقوع کنش‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن: ۱۳۷۷، ۴۶۲). سرمایه اجتماعی از نظر او یک شیء واحد نیست انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: الف) جنبه‌ایی از یک ساخت اجتماعی هستند. ب) تسهیل‌گر کنش‌های افراد درون ساخت‌ها محسوب می‌شوند.

سرمایه اجتماعی از نگاه فوکویاما

"فوکویاما" سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ی معینی از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی تعریف می‌کند که اعضای گروه از طریق همکاری و تعاون خلق می‌کنند. وی اذعان می‌کند که مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی، خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (فوکویاما: ۱۳۷۹، ۱۱).

در پایان این قسمت به برخی از عوامل مؤثر در ارتقاء سرمایه اجتماعی اشاره می‌شود:

- ۱- آموزش و پرورش (اسمیت، بیولیو و سرافین: ۱۹۹۵؛ تیچمن، پاش و کارور: ۱۹۹۶).
- ۲- بهداشت (اسمیت: ۱۹۹۷).
- ۳- اطمینان به نهادهای سیاسی (بریهام و راهن: ۱۹۹۵).
- ۴- رضایت از دولت و تعهد سیاسی (پاتنام: ۱۹۹۳).

این موارد از یک سو، اساس و پایه‌ی مفهوم سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر، موجب توسعه در سطح جامعه می‌گردد.

توسعه

مفهوم توسعه، پس از جنگ جهانی دوم، به صورت اصطلاحی فراگیر مطرح شده است. از دهه ۱۳۸۰ میلادی رویکرد "توسعه همه جانبه" با الگوهای "توسعه پایدار"، "توسعه یکپارچه" و "توسعه انسانی" مطرح شد که با توجه به پشتیبانی سازمان‌های بین‌المللی به نظر می‌آید تا چندین

سال آینده همچنان الگوهای غالب و راهکارهای عملی برای توسعه کشورهای در حال توسعه باقی بماند. توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (آکسفورد: ۲۰۰۱). توسعه به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری است (از کیا: ۱۳۸۰). از نظر "مایکل تودارو" توسعه جریانی چند بُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. از نظر "پیتر دونالدسن" توسعه عبارت است از ایجاد تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادهای، به طوری که به اهداف جامعه دست پیدا کنیم و می‌توان گفت توسعه نوعی ترقی است که بایستی جامعه در مسیر هدف مشخصی حرکت نماید (فیر چایلند: ۱۹۷۶، ۲۳۶).

در فرایند توسعه نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید افراد در جهت نو شدن تغییر می‌یابد و تا زمانی که همه‌ی مردم با آگاهی کامل اجتماعی از تغییرات و نیاز انطباق با آن در جریان توسعه مشارکت اساسی نداشته باشند، ادامه‌ی توسعه امکانپذیر نخواهد بود (دینی: ۱۳۷۰، ۸۵). این مفهوم شامل مجموعه‌ی نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام می‌شود که از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد" (تودارو: ۱۳۶۶: ۱۳۵). "دادلی سیرز" نیز "توسعه را جریانی چند بُعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده‌ی وی توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و برداشت‌های مردم است. توسعه در بسیاری از موارد عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد" (از کیا: ۱۳۸۰، ۸). برخی از جامعه‌شناسان بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید دارند و توسعه را چنین تعریف کرده‌اند: توسعه ایجاد زندگی پرثمری است که فرهنگ آن را تعریف می‌کند. به این ترتیب، می‌توان گفت که توسعه دست‌یابی فزاینده‌ی انسان به ارزش‌های فرهنگی خاص توسعه است (مسیرا، به نقل از کیا: ۱۳۷۴). در این راستا تقویت روابط اجتماعی و شبکه‌های روابط جدید در نظام فرهنگی برای تقویت توسعه قابل اهمیت است.

انواع توسعه

معمولاً در جریان توسعه آرزوی بهبود جوامع و اصلاح آن نهفته است. برای رسیدن به این مهم، رهیافت‌های گوناگونی اجرا یا توصیه شده است. گرچه انواع عملی یا نظری توسعه فراوان است از جمله: "توسعه درون‌زا"، "توسعه برون‌زا"، "توسعه موزون"، "توسعه ناموزون"، "توسعه از بالا" و "توسعه از پایین"؛ اما در این مقاله به مواردی اشاره می‌شود که سرمایه اجتماعی در آن پُررنگ هستند و یا در فرایند تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر است.

الف) توسعه درون‌زا

در این نوع توسعه، جهت‌گیری کلی داخلی است و کلیه امکانات جامعه با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در چارچوب شرایط تاریخی در نظر گرفته می‌شود و به سوی گسترش فعالیت‌های درونی جامعه، برای رفع نیازهای مردم همان جامعه، به کار گرفته می‌شود. ارتقای کیفی و کمی زندگی همه اعضای جامعه مد نظر است و تلاش‌هایی برای بالا بردن سطح زندگی افراد جامعه انجام می‌پذیرد.

ب) توسعه موزون

تعادل و توازن در مناطق و حوزه‌های مختلف جامعه برقرار است و عدالت اجتماعی در این الگو به صورت اصل مهم مطرح است. با توجه به این نکته که اجزای جامعه به صورت کنش متقابل در یکدیگر تأثیر دارند، سعی می‌شود که به صورت یکجانبه به یک جزء رسیدگی نشود، زیرا در نتیجه یک جزء در اجزای دیگر تأثیر می‌گذارد. بودجه‌های عمرانی به نسبت‌های متوازن میان بخش‌های جامعه تقسیم می‌گردد تا همه بخش‌ها آن را به اندازه نیازشان در چارچوب امکانات موجود صرف آبادانی جامعه کنند. توسعه موزون برای همه بخش‌های جامعه اهمیت برابر قایل است.

ج) توسعه از پایین

یکی از ویژگی‌های مهم توسعه از پایین، مشارکت توده مردم و همگان می‌باشد که باعث تحول بنیادی ساختارهای اجتماعی می‌شود. در این نوع توسعه، سهم مشارکت جوانان و فعالیت آنها در سطح بالایی قرار دارد و هدف نهایی تغییر و اصلاح وضع موجود است. البته در این فرایند نباید هدایت و رهبری تحول‌گرایان را از یاد برد. این رهبری به خواست توده بنیادگرا پاسخ

می‌دهد و طراحی تغییرات و توسعه اجتماعی با توجه به تقاضای توده مردم است (Laver: 1977, 265). طرفداران این نوع توسعه، بر مشارکت همگانی در جریان‌های اقتصادی - اجتماعی تأکید می‌کنند. برای تحقق این مشارکت، تشکیل شوراهای ابزار اصلی مشارکت مردم در جریان توسعه می‌دانند و گروه‌های اجتماعی مختلف سعی می‌کنند تا روش‌های جمعی خود را در این جریان اعمال کنند و چون مردم خود در جریان عمل توسعه قرار می‌گیرند، احساس نمی‌کنند که اهداف و راه‌ها به آنها تحمیل شده و آمادگی پذیرش زیان‌های پیش‌بینی نشده را دارند. در این سه الگو توسعه می‌توان رگه‌هایی از سرمایه‌ی اجتماعی و تقویت آن را دنبال کرد و ارتباط تنگاتنگی را میان سرمایه اجتماعی و توسعه (به ویژه در توسعه درون‌زا و توسعه از پایین) پیدا کرد.

دسته‌بندی رویکردهای توسعه

ما در اینجا به دو پارادایم توسعه اشاره می‌کنیم. یکی تحت عنوان پارادایم قدیم توسعه و دیگری پارادایم جدید توسعه؛ در اینجا به صورت خلاصه این دو پارادایم با تأکید بر پارادایم جدید توسعه اشاره می‌شود. در پارادایم قدیم توسعه بیشتر بر دیدگاه‌های اقتصادی و تغییرات ساختاری جامعه که رویکرد آنها بر مکتب مارکسیستی قدیم و جدید استوار است دور می‌زند. اما در پارادایم جدید توسعه ویژگی اساسی آن طرح دیدگاه‌های انسان‌گرایانه توسعه پایدار، توسعه انسانی، همگرایی فکری جوامع و تأکید بر لیبرالیسم اجتماعی و دموکراسی است. پارادایم قدیمی توسعه که ویژگی بارز آن توجه به رشد اقتصادی است مبتنی است بر استراتژی‌هایی نظیر توسعه صنعتی، جایگزینی واردات، انقلاب سبز و... که نه تنها موفق به کاهش فقر و یا بهبود زندگی مردم نگردید؛ بلکه گستره‌ای وسیع از توسعه ناپایدار (تخریب محیط زیست و...) در کشورهای در حال توسعه به وجود آورد.

در این راستا تأثیر سه دسته از عوامل در عرصه نظام اقتصادی جهان منجر به پیدایش رویکرد و نگرش جدیدی به فرایند توسعه گردید: الف) نتایج کارکردی اجرای سیاست‌های اقتصادی جهانی از قبیل سیاست تعدیل ساختاری که در آنها زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر وضعیت ملت‌های در حال توسعه نادیده گرفته می‌شد. ب) افزایش بی‌وقفه فقر، گرسنگی، ناامنی

و نابرابری در جهان؛ ج) نابودی محیط زیست و منابع طبیعی به علت بهره‌برداری نادرست که ویژگی مهار ناپذیر و نابود کننده‌ای پیدا کرده است (زاهدی مازندرانی: ۱۳۸۶). در نهایت این عوامل سبب گردید که صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان توسعه، سیاست‌مداران و جامعه‌شناسان به مؤلفه‌های جدیدی از توسعه توجه نمایند از جمله: "انسان شایسته توسعه"، "برابری" و "محیط زیست". مهمترین فاکتور در این میان مفهوم "انسان شایسته توسعه" است. یعنی انسانی که برای زندگی در جهان معاصر اجتماعی، تربیت شده باشد و همچنین از آموزش و مهارت‌های کافی برخوردار باشد. چنین انسانی نه تنها طرفدار توسعه است و در آن مشارکت می‌کند، بلکه برای حفظ دستاوردهای آن می‌کوشد و برای پایدارسازی آن با دیگران همکاری می‌نماید؛ زیرا در سایه چنین تغییراتی است که دموکراسی و آزادی‌های فردی و اجتماعی به تدریج تقویت می‌شود (همان). در مفهوم سازی جدید از توسعه (پارادایم جدید) سه فرایند مهم مورد توجه قرار گرفته است: الف) سرمایه اجتماعی^۱؛ ب) دموکراسی مشارکتی^۲؛ ج) توانمندسازی^۳.

الگوی توسعه فرهنگی - اجتماعی

تغییر در ارزش‌های فرهنگی جوامع عقب مانده و ایجاد ارزش‌های نو^۱ می‌تواند این جوامع را از حالت رخوت و عقب ماندگی بیرون آورد و در مسیر توسعه قرار دهد (Thompson: 1995, 356). یکی از اهداف کارکردی توسعه پایدار که کمیسیون جهانی محیط زیست ارائه کرده مشارکتی کردن توسعه می‌باشد (حیاتی: ۱۳۷۴، ۱۹) برای رسیدن به توسعه یکپارچه باید به چهار متغیر اصلی توجه شود:

- ۱- ارزیابی توانایی‌های طبیعی جامعه مورد نظر
- ۲- تعیین ساختار زیربنایی موجود
- ۳- تشخیص نیروی انسانی موجود برای توسعه
- ۴- مقدار منابع مالی قابل دسترس در کشور

در این راستا نکته قابل اهمیت جلب مشارکت‌های مردم در امر توسعه یکپارچه است. همچنان

1 - Social Capital
2 - Partive Democracy
3 - Empowerment

که باتی معتقد است که موفقیت در توسعه یکپارچه در گرو دو فن است: "مردم‌گرایی" و "فنون مشارکتی" (Batie: 1989, 1083). در همه مراحل توسعه یکپارچه اعم از طراحی، اجرا و ارزیابی، کلیه گروه‌های اجتماعی بایستی مشارکت داشته باشند تا احساس بیگانگی به فرایند توسعه نداشته باشند. در واقع، در این الگو، اعتقاد بر این است که خود مردم‌اند که مسیر تحولات و سمت و سوی برنامه‌های توسعه را تعیین می‌کنند.

الگوی توسعه انسانی

یکی از جدیدترین الگوها در رویکرد توسعه همه جانبه، توسعه انسانی است. تا آخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، به علتی که الگوهای توسعه قبلی با برنامه‌های اقتصادی و عمرانی خود نتوانسته بودند توسعه و رفاه برای مردم جوامع عقب مانده و یا در حال توسعه ایجاد نمایند، سازمان ملل متحد در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی مجبور به واکنش شد. برای این منظور نخست سازمان ملل گزارشی با عنوان "گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰" منتشر کرد که در آن بر چند نکته تأکید نهاده شده بود: نخست اهمیت توجه به توسعه انسانی، دوم تعریف توسعه انسانی، سوم چگونگی سنجش توسعه انسانی، چهارم جایگاه کشورها در فهرست توسعه و پنجم چگونگی رسیدن به توسعه انسانی.

در واقع این الگو، نسخه سازمان ملل برای توسعه واقعی کشورهای عقب مانده و در حال توسعه است. درباره اهمیت توسعه انسانی آمده است که مردم ثروت واقعی یک ملت را تشکیل می‌دهند. در توسعه توجه به صرف شاخص‌های درآمد ملی و تولید ناخالص ملی اگرچه مفید است، اما بهره‌گیرندگان واقعی را نشان نمی‌دهد؛ از طرف دیگر انسان‌ها به دنبال دیگر شاخصه‌های توسعه هستند که بتواند به آحاد مردم نفع برساند. در تعریف توسعه انسانی آمده است که: "توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات و قابلیت افراد بشر افزایش می‌یابد. هر چند این امکانات ممکن است اساساً با مرور زمان دچار تغییر در تعریف شود، اما در کلیه سطوح توسعه، مسئله بنیادین برای مردم عبارت است از برخورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی، دستیابی به دانش و توانایی نیل به منابعی که برای پدید آوردن سطح مناسب زندگی لازم است. چنانچه این سه امکان غیر قابل حصول بماند، بسیاری از موقعیت‌های دیگر زندگی دست نیافتنی خواهد بود (Gall: 1990, 5-12). از زاویه دیگر؛ این امر به انگاره‌ی روان‌شناختی توسعه و نوسازی

بستگی دارد. همچنان که "آلکس اینکلز" بر گرایش‌هایی که نوگرایی فرد را موجب می‌شوند تأکید می‌گذارد و آنها را به شرح زیر معرفی می‌کند: آمادگی ذهنی و روانی برای جذب تجارب جدید؛ توجه و عنایت به عقاید و آرای گوناگون درباره مسائل و موضوعات محیط اطراف و خارج از حیطه زندگی فردی؛ نگاه به زمان حال و آینده و نه گذشته؛ ایمان به توانایی در تسلط بر طبیعت برای پیشبرد مقاصد و اهداف خویش؛ باور داشتن به برنامه‌ریزی و سازماندهی امور برای حل امور عمومی و زندگی شخصی؛ اعتماد داشتن؛ اعتقاد به توزیع پاداش‌ها بر اساس مهارت‌ها؛ وجود ارزش‌های متعالی و آرمان‌ها و ایمان به تعلیم و تربیت؛ و شناخت افراد و احترام به آنان (اینکلز: ۱۳۶۹، ۲۲۵). از نظر اینکلز، انسان نو شهروندی مشارکت‌کننده و آگاه است، در برابر انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند، مستقل، روشنفکر و قابل انعطاف است. گرایش‌های روان‌شناختی بالا پیش شرط هر گونه رشد و توسعه به حساب می‌آید. یعنی عوامل یا موانع ذهنی و روانی است که مهمترین نقش را در توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، در توسعه هم تحول فردی اهمیت دارد و هم تحول جمعی. منافع ملی و جمعی زیربنای توسعه است و به همین دلیل در برنامه‌ریزی برای آن نباید فقط گروه یا طبقه‌ی خاصی را محور قرار داد. آنچه از بحث‌های مطرح شده نتیجه گرفته می‌شود این است که، **نخست**؛ توسعه مفهومی پیچیده و دارای ابعاد مختلفی است. پدیده چند لایه‌ای است که لایه‌های مختلف آن با یکدیگر ارتباط دارند. **دوم**؛ ارزش‌های جامعه در تحقق توسعه نقش اساسی ایفا می‌کنند. باید توجه داشت که ممکن است چیزی در یک جامعه توسعه و شاخص توسعه‌یافتگی به شمار آید، در حالی که در جامعه‌ای دیگر از لحاظ توسعه ارزشمند به حساب نیاید. **سوم**؛ توسعه به هیچ وجه یکباره تحقق نمی‌یابد و روابط علی در فرایند زمانی باعث پیوند خوردن و ترکیب عواملی با یکدیگر می‌شوند و زمینه‌ساز توسعه می‌شوند. پس توسعه متغیر و وابسته‌ای است که از تأثیر و ترکیب پدیده‌های دیگر از جمله تقویت سرمایه اجتماعی در طول زمان پدید می‌آید. **چهارم**؛ توسعه در سطوح سه‌گانه خرد و میانه و کلان مطرح است. اگر جامعه‌ای نتواند در سطح کلان دگرگونی ایجاد کند، در واقع، توسعه واقعی در آن رخ نداده است. جامعه‌ای توسعه یافته خواهد

بود که در این سطوح سه گانه کمیت و کیفیت زندگی مردم را ارتقا دهد و آنها را در این فرایند درگیر نماید تا از طریق همدلی و همکاری در سطح جامعه توسعه همه جانبه را به وجود آورند. پنجم؛ توسعه اشکال گوناگون دارد. اما توسعه‌ای پایدار و بنیادی است که از داخل جامعه آغاز - شود و باعث تحول درونی گردد و جهت آن از پایین شروع شود که در این صورت بیشتر نیروهای مردمی در آن مشارکت دارند و همچنین توسعه بایستی کاملاً به صورت موزون پیاده شود و با برنامه‌ریزی برای همه اجزای تشکیل دهنده در حد تعادل صورت پذیرد. ششم؛ وجود سرمایه اجتماعی در حد قابل قبول در هر جامعه باعث توسعه پایدار و همه جانبه می‌شود که می‌تواند موجب تحول و بهبودی وضع موجود جامعه شود.

منابع و مأخذ

- آبرکرامی، نیکلاس و هیل، استفن (۱۳۶۷) **فرهنگ جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن پویان، چاپخس.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) **جامعه‌شناسی توسعه**، نشر کلمه، چاپ سوم، تهران.
- اکبری، امین (۱۳۸۳) نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی اجتماعی، **پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.**
- اینکلس، آکس (۱۳۶۹) **نوسازی انسان، در نوسازی جامعه**، گردآورنده مایرون وینر، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) **دموکراسی و ستهای مدنی**، محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات وزارت کشور.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶) **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- حیاتی، داریوش (۱۳۷۴) سازه‌های اجتماعی، اقتصادی و تولیدی زراعی مؤثر بر دانش فنی، دانش کشاورزی پایدار و پایداری نظام زراعی در بین گندمکاران استان فارس، **پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.**
- دینی، علی (۱۳۷۰) تفاوت کیفی مفهوم رشد و توسعه، **کتاب توسعه، شماره اول.**
- رجب زاده، احمد (۱۳۸۲) رفتارهای فرهنگی ایرانیان، **وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی**، دفتر طرح‌های ملی.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۶) **توسعه و نابرابری**، انتشارات مازیار، چاپ سوم، تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) **درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی**، تهران، انتشارات کیهان.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷) **دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)**، تهران، انتشارات کیهان.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۸۰) **دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب سوم)**، تهران، انتشارات کیهان.
- علاقه بند، مهدی (۱۳۸۴) درآمدی بر سرمایه اجتماعی، **مجله اینترنتی علوم اجتماعی فصل نو.**
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) **پایان نظم - سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلام‌عباس توسلی، انتشارات

جامعه ایرانیان، تهران.

- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴) بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- فیلیس، جیمز (۱۳۸۵) اسطوره سرمایه اجتماعی در توسعه جامعه، ترجمه امیر نصرت روحانی، فصلنامه اقتصادی - سیاسی آفتاب.

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.

- گرین، فلیکس (۱۳۵۷) دشمن، ترجمه حسن اسدپور پیرانفر، تهران، انتشارات جاویدان.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موقیان، تهران، نشرنی، چاپ اول.

- مجموعه مقالات دومین کنفرانس توسعه منابع انسانی تهران، ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت (۱۳۸۴).

■ Batie, Sandra S. , (1989) "Sustainable Development: Challenges to the Profession of AgriculturalEconomic", American Journal of Agricultural Economic, December .

■ <http://www.aftab.com>

■ http://web.mit.edu/knh/www/downloads/netadd8b1_k.pdf

■ http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=447&Itemid=35

■ Gall, Peter (1990) "Human Development", World Development. Special Report, May 1990 .

■ Laver, Robert H (1977) Perspectives on Social Change, London: Allyn and Bacon .

■ Thompson, Kenneth (1995) "Religion, Values and Ideology", in Robert Boccock and KennethThompson (eds.) , Social and Cultural Forms of Modernity. Cambridge: Polity Press .

- Turner, Jonathan H (1990) "The Structure of Sociological Theory" Sixth Edition.

■ www.civilica.com/modules.php?name=TotalListing&topic=CHRD02&ShowDetails=True

■ www.civilica.com/modules.php?name=TotalListing&topic=CHRD02&ShowDetails=True

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی